

در آن دنیا

هاشمی فسنجونی میبرد و به آن دنیا میرود ،
 او را به محلی میبرند که مخصوص تعیین جای
 مرده ها است .

هاشمی می بیند گروهی سمت راست توی صف
 ایستاده اند و گروهی سمت چپ ، میپرسد :
 - این صف ها مال چیه ؟
 ما مور جواب میدهد :

- آنها که میخواهند به بهشت بروند توی صف
 دست راست ، البته شرطش این است که یک عدد
 تاج روی سرت بکارند ، در غیر این صورت حق
 ورود به بهشت را نداری .

هاشمی فکر میکند می بیند صرف با رفتن به
 بهشت است ، فوراً داخل صف دست راست میشود
 اما ما مور ویژه به او میگوید :

- برای کاشتن (تاج خروس) روی سرت باید
 با مته برقی پیشانیت را سوراخ کنیم .
 هاشمی که می بیند بدو وضعی پیش آمده میپرسد
 اگر بخوام داخل صف دست چپی بشوم چکار
 باید بکنم ؟

ما مور میگوید :

- آن صف مال جهنمی ها است ، باید یک عدد
 دم داشته باشی تا بتوانی به جهنم بروی .
 - ولی من که دم ندارم .
 - برایت میگذارند .

هاشمی به فکر فرو نیرود و پس از لحظه‌ئی به ما مور میگوید:

— باشد، من میروم جهنم، چون برای نصب دم به پشت سرم احتیاجی به مته برقیسی نیست، خودم سوراخش را دارم.

سفیر ژاپن و آقا

سفیر ژاپن برای مذاکره با آقا به جماران رفت و در مقابل او، چهار زانو نشست. ضمن صحبت، وقتی حرف به آنجا رسید که سفیر میخواست بر سر قیمت نفت خام با خمینسی چانه بزند، آقا عصبانی شد و چکشی را که بغل دستش بود برداشت و محکم روی بیضه سفیر زد و بیضه او مثل بادکنک ترکید، عیال آقا که توی آشپزخانه بود و این صدا را شنیده بود فریاد زد:

— آقا، این چه صدائی بود؟

آقا گفت:

— چیزی نبود، دارم (تخمه ژاپونی) میشکنم.

نا محرم

شیر — جناب خلخالی، گناه من جیه؟
خلخالی — خورشید خاتم را که بتو محرم

نبوده، روی دوشت سوار کردی .

نصف

وقتی کارمندان سفارت آمریکا را در تهران
گروگان گرفتند، اغلب سفارتخانه‌های
خارجی کارمندان خود را به نصف تقلیل
دادند .

خلخال‌ی که این خبر را شنیدگفت :
- سفارتخانه‌های خارجی بیخود بخودشان
زحمت دادند و کارمندان را نصف کردند، بهتر
بود می‌دادندشان دست من همه‌شان را از وسط
نصف میکردم .

ما مورسیا

متهم - آقای قاضی شرع جرم من چیه ؟ ...
چرا دارید محاکمه‌ام میکنید ؟
قاضی شرع - خفه شو، تو ما مور (سیا) هستی .
تمام بدنت سیاهه .

نمازشکسته

- مگر این قطب زاده قیافهٔ افراد متعهد و مسلمان را بخودش نگرفته ؟
- چرا ؟
- خوب ، اون روزهایی که توی کاباره های پاریس بودن نمازش را چه جوری میخوند ؟
- پشت میز بار (تیمم) میکردون نمازشکسته میخوند .

خدمت آقا

- (آفت الله مشکینی) در مراسم نماز جمعه در قم گفت :
- دیشب عده ای از شهداء را در خواب دیدم که پشت در بهشت مانده بودند و آنها را بیرون داخل راه نمیدادند ، پرسیدم چه خبره ؟ یکی گفت :
 - ما خودمون اعتصاب کردیم ، تا وقتی که والدین ما پولی را که از بنیاد شهید گرفته اند پس ندهند ، ما قدم در بهشت نمیگذاریم .
 - یک مادر شهید فریاد زد : آقا ، ما پول بنیاد شهید را پس نمیدیم که شهیدمون بره جهنم .
 - خدمت خود آقا .

چینی

سفیر چین برای ملاقات با هاشمی کوسه بسه تهران رفت و هاشمی در فرودگاه به پیشوازش شتافت، ضمن سلام و علیک و دیدوبوسی، شانه، رفسنجانی به شانه، آقای سفیر خورد. منتظری که این خبر را شنید هاشمی را احضار کرد و گفت:

— این دفعه که با سفیر چین ملاقات میکنی خیلی مواظب باش که تنهات به تنه، اونخوره، آخه این چینیه، ممکنه بشکنه.

بومیکنند

یک خبرنگار آمریکائی برای تهیه رپورتاژ به ایران رفت (البته با پاسپورت سوئدی) در مراجعت از او پرسیدند:

— در تهران که بودی چه چیز جالبی دیدی؟
گفت:

جالبترین منظرهائی که دیدم این بود که مردم روزهای جمعه، توی زمین چمن دانشگاه جمع میشدند و روی زمین می نشستند، بعد به فرمان یک آخوند که پشت میکروفن بود دو لامی شدند و (ما تحت) همدیگر را بومی کردند.

تفنگ آمریکایی

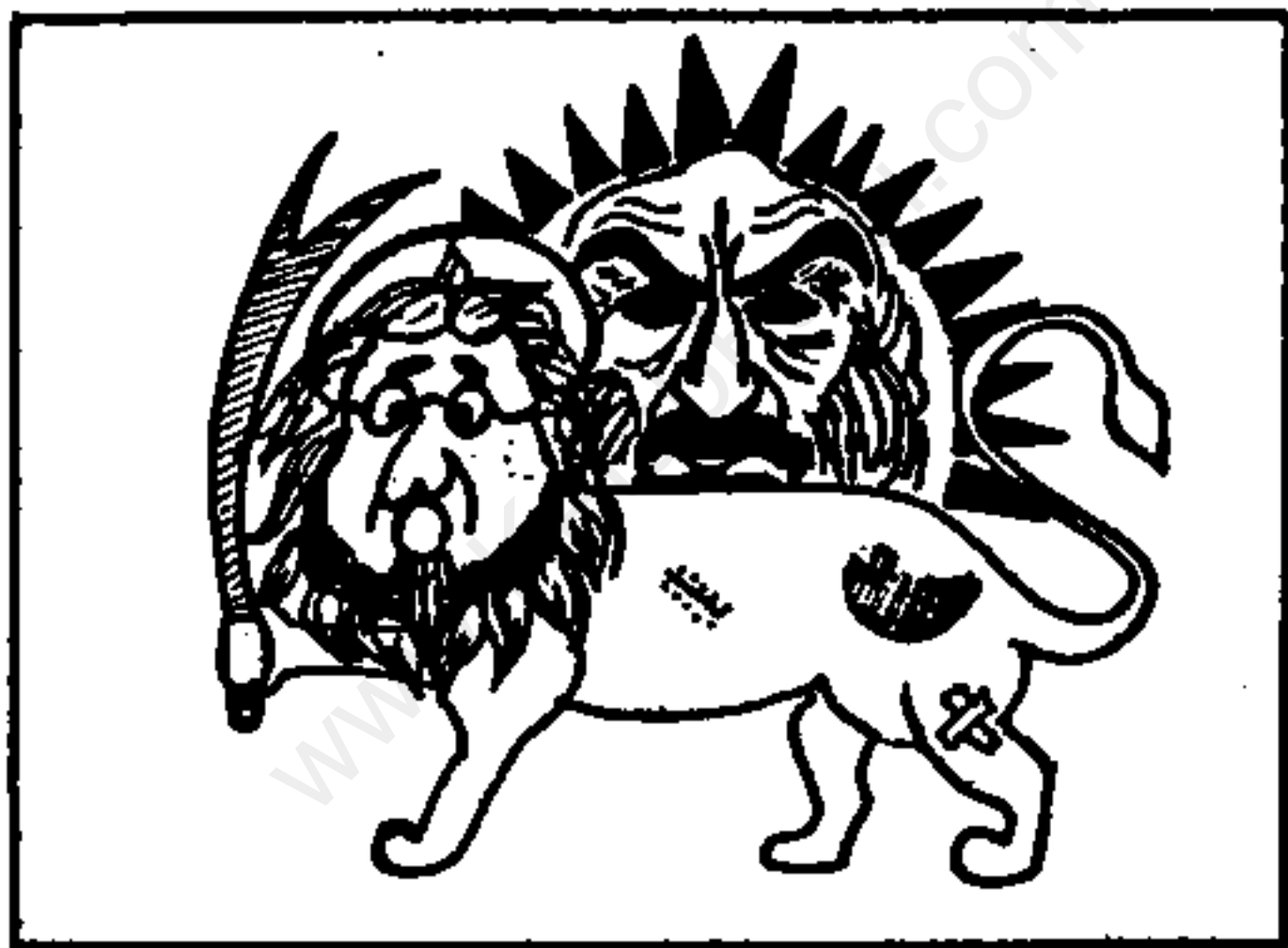
بتول خانم - خدا مرگم بده، آقا هرچی
 اسلحه دست مردم بود جمع کرد اما من هنوز
 نتونستم این دو تا تفنگ آمریکایی را
 از دست این نوه هام بگیرم .

سوراخ راه آب

احمد آقا - حضرت شیخ خاخاللی، چرا جلوی
 سوراخ راه آب چهارون را با کهنه و گونی
 گرفتی؟
 خاخاللی - واسه اینکه جاسوسهای آمریکا
 نتونن بیان تو خونه و به آقا صدمه بزنن .

احتیاج

- چرا دکتری زدی را کنار گذاشتند؟
 - برای اینکه در آمریکا به وجودش احتیاج
 دارند .



آرم جدید شیر و خورشید

کا غذتوالت

شهردار - حضرت آقای امام ، آذوقه در شهر کمیاب است ، کا غذتوالت هم پیدا نمیشود .
 آقا - ولاکن مردم کمتر بخورند تا احتیاج به توالت و دستمال توالت نداشته باشند .

حامله

مستضعف - آقای رئیس حوزه ، رأی گیری ، در این انتخابات فوقش ششدهزار نفر رأی داده باشند ولی شما دو برابر این عده ، رأی قرائت کردید .
 رئیس حوزه - آخه تمام علیا مخدراتی که رأی دادند (حامله) بودند ، قانوناً آراء آنها دو برابر حساب میشود .

مدروز

مشتري - در تهران حالچی مدروزه ؟
 کریستین دیور - شهادت .

بستن مرز

پاسدار - آقای برادر مهدی بازرگان ، من
 دستور دارم که (مرز) شما را محکم ببندم .
 بازرگان - چرا ؟
 پاسدار - آخه مرز شما ، مرز پردردسری است . .
 دائم از آن قاچاق رد میکنند .

موافقت

رفسنجانی - حاج آقا احمد ، شنیده ام که تو
 گفتی (من با پهلوی موافقم) درسته ؟
 احمد آقا - بعله که درسته ، من با پهلوی خوبم
 ، البته (سکه پهلوی) .

سوهان قم

پیرزن قمی - حاجی جون چرا دیگه سوهان
 قم درست نمیکنی ؟
 سوهان پز - برو باجی ، با این همه سوهان
 روح که روی کارند پختن سوهان قم صرفه
 نداره .

نامه

زن - آقای رئیس پست خونه ، بسمه تعالی ،
 این کاغذ مال پسر مه که از آمریکا فرستاده .
 رئیس پست - خوب ، میگی چکارش کنم ؟
 زن - آخه درپاکتش واز بود .
 رئیس پست - تقصیر ما چیه ؟حتما پست برات
 نامه سرگشاده فرستاده .

مرفه جوئی

خامنہ ئی - این برنامہ ہا چہ کہ از رادیو
 تلویزیون پخش میکنید ؟
 مدیر عامل - مگر عیبی دارد قربان ؟
 خامنہ ئی - سرتاپا چرند است .
 مدیر عامل - بنده مخصوصاً اینکار را کردم
 کہ مردم رادیو تلویزیون را نگیرند و مصرف
 برق پائین بیاید .

فردوسی و گوگوش

— راستی وضع شاعران و نویسندگان ایران
چطور است؟
— خیلی خراب شنیده‌ام مجسمه فردوسی
از زور بیکاری حاضر شده برای گوگوش شعر
بسازد.

انتخاب رئیس جمهور

بچه — برادر معلم، رئیس جمهور چطوری
انتخاب میشه؟
معلم — رئیس جمهور به سه طریق انتخاب
میشه، اول اینکه رهبر او را انتخاب میکنند،
دوم اینکه رهبر به مردم میگه فلانی را
انتخاب کنید، سوم اینکه مردم از رهبر
میخوان یکنفر را برای ریاست جمهوری
انتخاب و به آنها معرفی کند.

پایان جلد اول

اتللو:
اول بايدشمع را بکشم
وبعدشمع زندگي سرا
خاموش کنم



www.KetabFarsi.com

